

تصمیم انتقال سفارت آمریکا

ضمیمه

امیرفیض- حقوقدان

پیرو تحریر تصمیم آقای ترامپ به انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به اورشلیم مورخ ۸/۱۲/۲۰۱۷ اکنون اعلام خبر شد که:

پنج کشور اروپایی عضو شورای امنیت سازمان ملل در بیانیه ای (۱) مشترک از تصمیم رئیس جمهوری آمریکا برای برسمیت شناختن بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل انتقاد کرده اند (۲).

بریتانیا، فرانسه، آلمان (۳) سه عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل در کنارسوند وایتالیا اعضای دیگر شورای امنیت اقدام دونالد ترامپ را تصمیمی غیرسازنده در راه ایجاد صلح میان اسرائیل و فلسطینی ها توصیف کردند و از ایالات متحده آمریکا خواستند که طرح پیشنهادی صلح میان دو طرف را پیگیری کند (۳)

خانم نیکی هیلی نماینده آمریکا در سازمان ملل تحمل این بیانیه آبکی کشورهای عضو شورای امنیت را نداشت و فوراً گفت: <آمریکا هیچ الزامی ندارد که در سیاست خارجی خود از کشورهای دیگر دستور بگیرد.>

خانم نیکی هیلی اشتباه میکند؛ خودداری آمریکا از شناسایی اورشلیم بعنوان پایتخت اسرائیل ناشی از قطعنامه شورای امنیت است، نه سیاست کشورها برای توجه نماینده آمریکا در سازمان ملل = جمهوری اسلامی بعد از مقاومت و نادیده گرفتن قطعنامه شورای امنیت با مجازات های ماده ۴۱ منشور روبرو شد تا ناچار گردید به قطعنامه شورا تمکین کند؛ همین ماجرا عیناً متوجه آمریکا است تا از این دستور خودسرانه عدول نماید.

دستاوردها

بیانیه

(۱) بیانیه نوشته ای است که در حقیقت نظرات کسی و یا گروهی را ارایه میدهد، و هیچ ضمانت اجرا و یا متضمن درخواستی که لازم الاجرا تلقی شود نیست.

با ملاحظه به دایره عمل و اختیارات شورای امنیت سازمان ملل این دریافت مسلم است که حیطة عمل شورا اتخاذ تصمیم و اعلام آن بصورت قطعنامه است؛ تفاوت قطعنامه با بیانیه در این است که قطعنامه به اعتبار موقعیت صادرکنندگان آن واجد قوه اجرائی است ولی بیانیه خیر؛ قطعنامه مانند حکم دادگاه است که به اعتبار موقعیت دادگاه واجد قوه اجرائی است.

عقیده بر این است که کشورهای عضو شورای امنیت نمیتوانند در زیر نام و موقعیت شورای امنیت سازمان ملل به صدور بیانیه مبادرت نمایند باید از اصطلاح قطعنامه استفاده میکردند و مفهوم آنهم با بیانیه شل و ولی که صادر کرده اند کاملا متفاوت میباشد.

انتقاد

(۲) در وظایف مفصل شورای امنیت سازمان ملل هرگز و ابدا انتقاد وجود ندارد شورای امنیت یک قوه اجرایی است. انتقاد نوعی خیرخواهی است که طرف انتقاد با بکار بستن آن از اشکالات کارش بکاهد و به معنای محکومیت و یا اعتراض اجرایی نیست.

انتقاد نسبت به تصمیم رئیس جمهور آمریکا آنهم از سوی کسانی آنهم از طریق بیانیه مشترک و نه تصمیم و قطعنامه شورای امنیت چه سود و خاصیت حقوقی دارد؟

انتقاد یک هدیه ای است از سوی منتقد به فاعل عمل و یا گفتار که طرف انتقاد حق دارد به پذیرد و یا اعتنا نکند.

آیا موضوعی به این مهمی که دقیقا خلاف قطعنامه های شورای امنیت است و تصمیمی است که ممکن است، موجب اغتشاشات وسیع توأم با کشتارها گردد میتواند، با واکنشی چون انتقاد روبرو شود؟ آری برای اینکه هم اعتراض شده باشد و هم طرف یعنی آمریکا و اسرائیل مکرر نگردند راه حل همین مصرف انتقاد است.

(۳) درخواست انتقاد کنندگان، از آمریکا که طرح پیشنهادی صلح میان دو طرف را پیگیری کند، **خیلی درخواست بی معنایی است** زیرا اولاً طرح آقای ترامپ مبنی بر برسمیت شناختن بیت المقدس بعنوان پایتخت اسرائیل، هیچ اشاره ای به قطع مذاکرات و پیگیری صلح بین فلسطین و اسرائیل ندارد و از آن مهمتر در بیانیه آقای ترامپ دقیقا علاقمندی به صلح بین اسرائیل و فلسطینی ها و پیگیری آن اشاره شده است.

آیا تکلیف کشورهای عضو سازمان ملل و شورای امنیت در این حد است که کشوری که خلاف قطعنامه های شورای امنیت اتخاذ تصمیم کند همین است که ۵ کشور عضو شورای امنیت نسبت به آمریکا انجام داده اند؟

هرچه بگنند نمکش میزنند وای به روز که بگنند شورای امنیت.

راه حل متصوره

← همان ۵ کشور آلمان، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا و سوئد که بیانیه انتقاد را امضا کرده اند از سازمان ملل درخواست بگریان انداختن یک کنوانسیون و یا عهدنامه بین المللی را بنمایند.
← همه کشورهای عضو سازمان هر یک که مایلند آنرا امضا و فوراً به تصویب مجالس قانونگزاری خود برسانند.

در متن آن کنوانسیون:

۱- برسمیت شناختن اورشلیم بعنوان پایتخت اسرائیل ممنوع گردد.

۲- انتقال سفارتخانه های کشورها به اورشلیم نیز ممنوع شود.

این کنوانسیون میتواند بدون اینکه آمریکا بتواند با استفاده از حق وتو مانع اتخاذ تصمیم شورای امنیت گردد، تصمیم آقای ترامپ را بی اثر سازد. و تاحدودی ممکن است واکنش مطلوب شناخته شود؛ مشروط بر اینکه در سند کنوانسیون اولاً اقدام آمریکا محکوم نشود و ثانیاً کشورهای اسلامی پیشگام این اقدام شناخته نگردند.

محکوم کردن اقدام آمریکا در کنوانسیون نه تنها مشکلی را حل نمیکند بلکه عذری میشود که کشورها در امضای کنوانسیون و مشارکت در آن تردید نمایند.